

تحلیل و تبیین نقش کودک و دوران کودکی در بوستان سعدی براساس نظریه سبک زندگی آلفرد آدلر

Analysis and explanation of the role of children and childhood in Saadi's Boostan based on Alfred Adler's lifestyle theory

Neda Abed

PhD student of Persian Language and literature department central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Dr. Latifah Salamat Bavil*

Assistant Professor of Persian Language and Literature Department central Tehran Branch, Islamic Azad University, central Tehran Branch. Tehran, Iran.

Dr. Maryam Jalali

Associate professor, Department of Persian Language central Literature, Shahid Beheshti university, Tehran, Iran.

ندا عابد

دانشجویی دکترای گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دکتر طفیله سلامت باویل نویسنده مسئول

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دکتر مونیم جلالی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Abstract

Literature is a full-view mirror of the conditions of every society in different historical eras, and literary texts are always the best reference for studying and examining the social conditions of different strata of people in every era. Children are also the main foundations of the formation of any society, and examining the role and attention of scholars and writers of each nation and nation to this group of society can shed light on many cultural and social issues of that era. For this reason, in the upcoming research, the manner and frequency of children's presence in one of the valuable texts of Persian literature, Boostan, will be investigated in the context of the lifestyle theory of Alfred Adler, the leading psychologist of the 20th century. The findings of this article show that paying attention to children's gender is not very important in the garden, and even where gender is mentioned, boys are considered, and among parenting styles, authoritarian and authoritarian styles are the most present. This shows Sa'adi's advice-giving and idealistic spirit. Two months have been spent to conduct this research (data collection and analysis).

Keywords: Life Style, Alfred Adler, Childhood, Child, Saadi's Boostan.

ویرایش نهایی: آذر ۱۴۰۳

پذیرش: آبان ۱۴۰۳

دربافت: خرداد ۱۴۰۳

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

کودک و کودکی مهم ترین دوران زندگی هم به لحاظ فردی و هم به اجتماعی است چرا که پی‌ریزی ساختارهای اصلی هر جامعه‌ای از تربیت دوران کودکی افراد آن جامعه شکل می‌گیرد و بر همین اساس بسیاری از نویسنده‌گان، شاعر و حکماء فارسی زبان در آثار خود از جنبه‌های گوناگون به مقوله‌ی کودک و کودکی پرداخته‌اند، یکی از این شعراء سعدی شیرازی است که آثار تعلیمی او در زبان فارسی شاخص است. تا حدی که آثار او در زمرةی آثار تربیتی شناخته می‌شود. بررسی چگونگی انعکاس دوران کودکی و توجه به کودکان در آثار ادبی کلاسیک و مدرن هر جامعه می‌تواند شاخص‌های مهمی از دوران پدید آمدن آن اثر ادبی را نمایان کند، چرا که با مطالعه در این آثار می‌توان ردپایی روشن از زندگی اجتماعی کودک به

تحلیل و تبیین نقش کودک و دوران کودکی در بوستان سعدی براساس نظریه سبک زندگی آفرد آدلر
Analysis and explanation of the role of children and childhood in Saadi's Boostan based on Alfred Adler's lifestyle theory

عنوان عضوی از جامعه و نگاه جامعه به مقوله کودکی و کودکان را کشف کرد. در عین حال بررسی نقش کودکان و دوران کودکی در آثار ادبی یک دوره می‌تواند نمایانگر سبک زندگی آن دوره نیز باشد. مقوله سبک زندگی از دو منظر قابل بررسی است. نخست از جنبه‌ی اجتماعی که کنش‌ها و رفتارهای فرد در جامعه را بررسی می‌کند و دوم از دیدگاه روانشناسی که بیان گر احساسات، نهودی نگرش و پیشنهاد تربیتی هر فرد در روند شکل‌گیری سبک زندگی او است. با بررسی سبک زندگی کودکان در بستر آثار ادبی می‌توان به مؤلفه‌های بسیاری در زمینه مسائل اجتماعی و روانشناسی هر دوره‌ی تاریخی دست یافت.

آفرد آدلر مشهورترین روانشناسی است که اصطلاح سبک زندگی در آثار و نظریات او محور قرار گرفته و نظریات او در مورد سبک زندگی تأثیر بسیاری بر فضای کلی روانشناسی و حتی جامعه‌شناسی پس از خود گذاشته و سبب شده تا او طاییدار نظریات مبتنی بر سبک زندگی در عرصه‌ی روانشناسی باشد.

آدلر سبک زندگی را به طور خلاصه این‌گونه تعریف می‌کند. سبک زندگی مفهومی است کلی که افزون بر هدف، در بردارنده‌ی اندیشه فرد درباره‌ی خود، دنیا و همچنین شیوه‌های منحصر به فرد او در تلاش برای رسیدن به هدف در شرایط خاص است. سبک زندگی فرد پلی است به سوی نیل به هدف شخصی (اکستین و کرن، ۱۳۸۹: ۳۵)

به نظر آدلر هر کودک در نخستین ماه‌های پس از تولد طی چهار یا پنج سال ابتدایی زندگی، همزمان تعامل با سه عامل وراثت - محیط و خود خلاق و تلاش برای غلبه بر احساس حقارت را فرا می‌گیرد و در راستای نیل به همین هدف وظایفی برای او شکل می‌گیرد و تحقق زندگی یک انسان در میزان فعالیت شخصی او در مواجهه با وظایف اصلی اجتماعی او بازشناختی می‌شود. شیوه‌ی مواجهه با این وظایف بیانگر سبک زندگی اوست (آدلر، ۱۳۶۱: ۷۷-۷۳)

روش

در زمینه نگاه سعدی به کودک و کودکی پژوهش‌هایی انجام شده که شاخص ترین آن‌ها به شرح زیر است: مبانی تعلیم و تربیت کودکان در بوستان و گلستان (پایان نامه کارشناسی ارشد، مهندسی چالاکی، ۱۳۹۰، دانشگاه بیرجند - بررسی کودک و دوران کودکی در حدیقه‌الحقیقه، مثنوی معنوی و بوستان (طاهری عبدوند، جمال الدین مرتضوی، ۱۳۹۰) - تفاوت تعلیم و تربیت معاصر با گلستان و بوستان سعدی (واعظی، چالاکی، ۱۳۸۹) - خانواده و تعلیم و تربیت از نگاه سعدی در بوستان و گلستان (یوسفی، امیری، ۱۳۸۹) - آموزه‌های تربیت کودک در اشعار سعدی (ولی بور، ۱۳۹۶) - انگاره‌های جامعه‌شناسی دوران کودکی در ادبیات ایران (رسول زاده، ۱۳۹۶) - تعلیم و تربیت از منظر سعدی (مدرسي، ۱۳۹۶). چنان که ملاحظه می‌گردد در همه این آثار تنها نگاه سعدی با استناد به محتوای دو اثر مهم بوستان و گلستان نسبت به کودک و دوران کودکی بررسی شده است و هیچ یک از پژوهش‌های مذکور در چارچوب نظریه خاصی صورت نگرفته. بر این اساس در پژوهش حاضر قصد بر این است که بسامد و نهوده حضور کودکان در بوستان و نگاه سعدی به دوران کودکی براساس نظریه سبک زندگی آدلر بررسی گردد.

بر همین مبنای در تحقیق پیش رو نگرش سعدی به سبک زندگی کودکان در بوستان، براساس نظریه سبک زندگی آفرد آدلر و درواقع در سطح روانشناسی بررسی شود.

مبانی نظری پژوهش:

۱- سبک زندگی^۱:

۱-۱: سبک زندگی از جمله مفاهیم پرکاربردی است که ارائه یک تعریف منسجم و یکانه برای آن امکان پذیر نیست. از دید واژگانی این ترکیب از دو کلمه زندگی Life سبک و شیوه style است. کلمه style به معنای شیوه‌های متفاوت در انجام کارها و ترکیب این دو کلمه معنای شیوه‌ی انجام دادن، گزینش و عملکرد متفاوت هر فرد در زندگی را به ذهن متبدار می‌کند.

گیدنز^۲ در تعریف سبک زندگی می‌گوید: «مجموعه‌ای منسجم از تمام رفتارها و اعمال یک شخص واحد در جریان روزمره زندگی است که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌هاست و به همین دلیل از گونه‌ای یگانگی و وحدت برخوردار است.» (گیدنز ۱۳۷۸: ۱۲۱).

پیریوردیو^۳ معتقد است: «سبک زندگی نتیجه‌ی قابل رویتی از ابراز عادت‌هاست.»، به نظر بوردیو همه‌ی آن چه در اطراف و درون زندگی انسان وجود دارد بخشی از سبک زندگی است. (Bourdieu, 1984: 17)

رویکرد روانشناسانه به مقوله سبک زندگی با نگاه به انسان و کاوش شخصیت او صورت می‌گیرد و در واقع بخشی از مطالعات روانشناسانه‌ی بشری است.

¹ Lifestyle
² Giddens
³ Bourdieu

این رویکرد تا حد زیادی به مطالعه‌ی رفتارها و روش‌های فردی بر می‌گردد. رفتارها و روش‌هایی که با استفاده از آن‌ها اهداف زندگی خود را دنبال کرده و مسائل زندگی اش را حل می‌نماید.

۲- معرفی آفرد آدلر و نظریه سبک زندگی

آلفرد آدلر در سال ۱۸۷۰ در اتریش متولد شد. دوران کودکی دشواری داشت. او دومین فرزند از هفت فرزند خانواده بود و با برادر بزرگترش که فرزند نمونه بود رقابت داشت. این موضوع باعث شد تا آدلر، آنچه را که بعداً تحت عنوان «منظومه خواهر-برادری» یا «منظومه خانوادگی» شهرت یافت و نقش مؤثر آن در سبک زندگی را عملاً تجربه کند. چهاره‌ی نه چندان زیبا و ناتوانی او (به علت بیماری) در مقایسه با همسالانش، موجب پرداختن او به مسئله عقده حقارت شد. بنابراین آدلر بر اساس تجربه‌های زیسته خود متوجه شد که دوره‌ی ۵ سال اول زندگی - که بعداً طرفداران آدلر آن را تا ۱۲-۱۱ سالگی نیز افزایش دادند - در تعیین سبک زندگی کودک که بهمنزله خط راهنماست، تأثیر بسیاری دارد.

آدلر نخست وارد رشته‌ی چشم پزشکی شد و تخصص گرفت، اما بعد به روان‌شناسی گرایش پیدا کرد. برخورد آدلر با فروید برای او بسیار سرنوشت‌ساز بود و او علناً از فروید در مقابل همکاران و دشمنانش که به نظرات فروید عقیده‌ای نداشتند دفاع کرد (کی‌نیا، ۱۳۵۶: ۳۴). درنهایت آدلر راه خود را از فروید جدا کرد و در سال ۱۹۱۲ بر پایه‌ی نظریات شخصی خود، مکتبی به نام «مکتب روان‌شناسی فردی» تأسیس کرد. آدلر با انتخاب این عنوان قصد داشت فرد را به عنوان کل و جوهري تقسیم ناپذیر معرفی کند؛ که شناختش تنها در صورتی که کلیتش در نظر گرفته شود؛ امکان پذیر خواهد بود (شاfer، ۱۳۵۱: ۱۰۰). این عقیده، کاملاً در نقطه مقابل عقیده فروید که مبتنی بر تفکیک و تجزیه ساختار روانی به اجزایی متفاوت است قرار می‌گیرد. بنابراین، روان‌شناسی فردنگر، بر وحدت شخصیت تأکید دارد. بر اساس این مکتب، افکار، احساسات و اعمال فرد همگی به سمت خاصی هدایت شده و در خدمت مقصود خاصی هستند؛ پس رفتار مستقل و به تنها‌ی وجود ندارد و تمامی آن‌ها معنادار و منسجم هستند (اکستین و کرن، ۱۳۸۹: ۱۱-۸؛ فیست و فیست، ۱۳۸۶: ۹۲).

شاید بزرگ‌ترین موفقیت روان‌شناسی فردی، مفهوم سبک زندگی باشد. آدلر برای توضیح این مفهوم از موسیقی به عنوان مثال یاری می‌گیرد و به نظر او همان‌گونه که نتهای مجازی یک تصنیف بدون کل آهنگ بی‌معنا هستند و زمانی که با سبک آهنگساز یا روش منحصر به فرد بیان او آشنا شویم، آهنگ با معنا می‌شود؛ آشنایی کامل با شخصیت فرد زمانی میسر می‌گردد که با سبک زندگی او آشنا شویم. (فیست و فیست، ۱۳۸۶: ۹۷) بنابراین سبک زندگی، مقوله‌ای است که از طریق آن شخصیت فرد درست‌تر و دقیق‌تر شناخته می‌شود.

به عقیده آدلر کودک از سن رشد تا حدود سن ۶-۵ سالگی اهدافی را توسعه می‌دهد که راهنمای وی به‌سوی بزرگسالی می‌گردد و روش‌های منحصر به فردی که هر شخص برای رسیدن به این اهداف بر می‌گزیند سبک زندگی نامیده می‌شود. سبک زندگی با سازماندهی و یکپارچه کردن افکار و ادراکات و اعمال فرد و درنهایت با وحدت بخشیدن به کار کرد وی، زمینه دستیابی به هدف او را فراهم می‌کند. به بیان دیگر، «سبک زندگی یک الگوی فعال و هدف محور است که در طول زندگی فرد نسبتاً پایدار باقی می‌ماند. همچنین سبک زندگی شامل اجزای خودآگاه و ناخودآگاه است و فهم آن مشابه فهم شعر است که در آن هر چند از کلمات استفاده می‌شود ولی معنای آن بیشتر از کلمات به کار رفته است (ناصحي و رئيسي، ۱۳۸۶: ۵۹). آدلر در مورد شکل‌گیری سبک زندگی عقیده دارد که کودک به‌واسیله‌ی تعامل با (دیگران و اعضای خانواده...) شروع به تنظیم طرح‌واره‌ها و شناخته‌هایی می‌کند که یاری‌رسان وی در فهمیدن و درک جهان خواهد بود. درنتیجه‌ی تعداد زیاد این تعاملات، سبک زندگی کودک ساخته می‌شود و این سبک زندگی مواجهه با مشکلات و تکالیف زندگی را برای او ممکن می‌کند (بیزدان‌دوست، ۱۳۸۹: ۱۲).

درنهایت آدلر سبک زندگی را این‌گونه خلاصه می‌کند: «سبک زندگی مفهومی است کلی که افزون بر هدف، دربردارنده اندیشه فرد درباره خود، دنیا و همچنین شیوه‌های منحصر به فرد او در تلاش برای رسیدن به هدف در شرایط خاص است. سبک زندگی فرد، پلی است به‌سوی نیل به هدف شخصی. (اکستین و کرن، ۱۳۸۹: ۳۵).

آدلر عقیده داشت که در بررسی سبک زندگی افراد چندین شاخص مؤثر است؛ زیرا سبک زندگی کودک با توجه به آن‌ها ساخته می‌شود. این موارد شامل: سبک‌های فرزندپروری (والدینی-تریبیتی)، منظومه خانوادگی (ترتیب تولد)، تکالیف (وظایف) و هدف در زندگی است که در ذیل به تعریف آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۲- سبک‌های فرزندپروری:

خانواده اولین نهاد اجتماعی است که کودک به آن وارد شده و زندگی خود را در دنیا آغاز می‌کند. این محیط در کنار عامل وراثت، شکل‌دهنده شخصیت و رفتار فرد خواهد بود. درواقع بسیاری از عادات، گرایش‌ها و اعتقادات کودک در خانواده بنیان گذاشته می‌شود؛ پس جای تعجب نخواهد بود اگر این نهاد مورد توجه اکثر روان‌شناسان قرار بگیرد (بیزدان‌دوست، ۱۳۸۹: ۱۱). به عقیده آدلر کودک با تعمیم تجارب به دست آمده از خانواده به دنیا بیرونی، پایه و اساس روابط و تعاملات خود را بنا می‌نهد. برای مثال در صورتی که والدین فرزندان را تنبیه کنند کودکان می‌آموزند که فردی آسیب زننده باشند یا اگر والدین همه وظایف مربوط به کودک را انجام بدهد، کودک می‌آموزد همیشه انتظار انجام امور از جانب دیگران داشته و سبک زندگی غیر فعلی را در خود پرورش بدهد. از جمله مباحث مطرح در حوزه خانواده، سبک فرزند پروری والدین است که بر رشد دیدگاه کودک نسبت به دنیا، رشد و تکامل فرد در دوران کودکی، ایجاد سازگاری‌های مختلف و خصایص بعدی شخصیت وی تأثیرات فراوانی دارد (اکستین و کرن، ۱۳۸۹: ۱۳۷). به‌طور کلی شیوه‌های فرزندپروری از دو عنصر اصلی درخواست‌کنندگی والدینی و پاسخ‌دهنندگی والدینی تشکیل شده‌اند (اسمخانی، اکبری نژاد، نصیرنژاد

تحلیل و تبیین نقش کودک و دوران کودکی در بوستان سعدی براساس نظریه سبک زندگی آفریدن
Analysis and explanation of the role of children and childhood in Saadi's Boostan based on Alfred Adler's lifestyle theory

و اعتمادی، ۱۳۸۸: ۱۴). با مریند^۱ عقیده دارد که در خواست کنندگی یا توقع به این اشاره دارد که والدین انتظار رفتار پخته دارند، بنابراین کنترل و نظارت می‌کنند. پاسخ دهنده‌گی به میزان گرمی و پذیرش والدین اشاره دارد که خود را در گیر کارهای کودکان می‌کنند (نقل از زیتالی، ۱۳۸۹: ۳۳۸). از ترکیب این دو عنصر، چهار سبک فرزندپروری به وجود می‌آید که عبارتند از: سبک مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیرانه و مسامحه‌گر یا بی‌توجه که در ذیل به تعریف هر یک پرداخته می‌شود. (شایان ذکر این که این چهار سبک بعدها با همکاری اکستین به ده مورد افزایش یافت).

الف: سبک مقتدرانه (در خواست کنندگی بالا - پاسخ دهنده‌گی بالا): این والدین قوانین واضح و روشنی وضع کرده و کودکان را مجبور به اجرا می‌کنند. آن‌ها اصول بنیادی قواعد و قوانین محدودیت‌هایشان را توضیح می‌دهند. این والدین با نیازهای رشدی فرزندان سازگار هستند و ارزش زیادی به رشد خود مختاری می‌دهند. در این سبک، والدین به نوجوانان فرسته‌هایی می‌دهند تا آن‌ها را در تصمیم‌گیری و استقلال نیرومند کنند (فتحی و نوابخش، ۱۳۹۰: ۵۰). کودکان این والدین، سعی در همانندسازی و الگوبرداری از والدین خود دارند. در خصوص زندگی، دارای احساس مثبت هستند. عقیده خود را با اعتماد به نفس ابراز کرده و به توانایی‌های خود اتکا می‌کنند (غنى آبادی، ۱۳۷۷: ۴۶-۴۷).

ب: سبک مستبدانه (در خواست کنندگی بالا - پاسخ دهنده‌گی پایین): والدینی که دارای این نگرش هستند، معتقدند ضرورتی ندارد برای دستورهایی که به کودک می‌دهند، دلیل یا توجیهی بیاورند. آن‌ها معتقدند باید برای فرزندانشان محدودیت‌هایی در نظر بگیرند (پرچم، فاتحی زاده، الهیاری، ۱۳۹۱: ۱۱۷). والدین قدرت طلب دارای ویژگی‌هایی چون کنترل بیش از حد کودک با توجه به رفتارهای معین مورد نظر خود، تشویق به اطاعت و استفاده از شیوه‌های مختلف تنبیه، ممانعت از اظهار نظر کودک و ... هستند (غنى آبادی، ۱۳۷۷: ۴۶). کودکان این والدین کمتر به خود متکی بوده و خلاقیت کمی دارند و از این که بخواهند در چنین محیطی ادعای حق کنند هراس دارند.

ج: سبک آسان‌گیر (در خواست کنندگی پایین - پاسخ دهنده‌گی بالا): این والدین نسبت به رفتار بچه‌ها بسیار اغمض کننده‌اند و در رفتار بچه‌هایشان کمتر رفتار کنترل کنندگی دارند. این والدین بیشتر تمایل دارند رفتارهای سرد و غیر مشارکتی داشته باشند (فتحی و نوابخش، ۱۳۹۰: ۵۲). کودکان چنین والدینی نیز دارای ویژگی‌هایی چون: مقابله نکردن با مشکلات، اعتماد نکردن به والدین، تبعیت نکردن از ارزش‌های والدین، مشکل در برقراری ارتباط صمیمانه، عدم احساس مسئولیت در قبال انجام تکالیف روزمره هستند (غنى آبادی، ۱۳۷۷: ۴۵).

د: سبک مسامحه‌گر یا بی‌توجه (در خواست کنندگی پایین - پاسخ دهنده‌گی پایین): این والدین خود را در تربیت بچه‌ها درگیر نکرده و به نظر می‌رسد مراقبتی روی بچه‌ها نداشته باشند و حتی آن‌ها را نپذیرند. این والدین آزادی عمل زیادی به بچه‌ها می‌دهند و معتقدند که کنترل بچه‌ها مانع رشد آزاد آن‌ها می‌شود. فرزندان این والدین دارای اعتماد به نفس کمی هستند و در برقراری ارتباط مشکل دارند (فتحی و نوابخش، ۱۳۹۰: ۵۳).

چهار موردی سبک‌های اصلی فرزندپروری آدلر بعدها به یازده مورد گسترش داده شد (اکستین و کرن، ۱۳۸۹: ۸۳) که عبارتند از:
سبک آزاد منش و امید بخش / سبک بسیار آسان‌گیر / سبک بسیار مطیع / سبک کمال گرا / سبک بسیار مسئول سبک بی‌توجه / سبک طرد کننده / سبک تنبیه‌ی / سبک خود بیمار انگارانه / سبک از نظر جنسی تحریک کننده

۲-۲- منظمه خانوادگی:

یکی از تأثیرگزارترین عواملی که آدلر باید در ایجاد سبک زندگی فرد مورد توجه قرار بگیرد منظمه خانوادگی است. ترتیب تولد فرزندانی که در یک خانواده زندگی می‌کنند و نیز رابطه پویا میان برادران و خواهران نقش بهسازایی در سبک زندگی فرد دارد (همان: ۱۴۳). بنا به اعتقاد آدلر با وجود اینکه همشیرها، والدین یکسانی دارند و در یک خانه زندگی می‌کنند، اما محیط‌های اجتماعی همانندی ندارند. لذا بزرگتر و کوچک‌تر بودن از سایر همشیرها و قرار داشتن در معرض نگرش‌های متفاوت والدین شرایط کودکی مختلفی را برای هر فرد به وجود می‌آورد که به تعیین شخصیت کودک کمک می‌کند (نقل از جعفری و ابوترابی، ۱۳۸۹: ۱۳۷). هنگامی که کودک شروع به رشد شناختی اجتماعی می‌کند، شخصیت خود را در رابطه با گروه همشیرهای خود (فقدان یک گروه از همشیرها در مورد تک فرزندان) توسعه می‌دهد (یزدان دوست، ۱۳۸۹: ۳۰). آدلر این عامل را در شکل‌گیری سبک زندگی فرد مؤثر می‌دانست و عقیده داشت که فرد از این موقعیت برای ساختن زندگی خود استفاده می‌کند (ناصحي و رئیسي، ۱۳۸۶: ۶۲). آدلر اساسن یک گونه‌شناسی را به عنوان وسیله کار بنا نهاد و به تأیید این نظر پرداخت که وضعیت‌های معین از گذشته دور کودک احتمالاً موجب پیدایش بعضی از خصوصیات منش می‌گردد. لازم به ذکر است که گونه‌شناسی آدلر با این مزايا که موضوع را به طریق تجربی و عینی مورد نظر قرار می‌دهد وسیله با ارزشی است که می‌تواند همواره مدنظر باشد اما به صورت یک قانون همواره صادق نیست (آدلر، ۱۳۶۱: ۱۳۴-۱۳۶).

۲-۳- تکالیف زندگی:

آنچه در سبک زندگی اهمیت به سزائی دارد وظایف زندگی فرد است؛ یعنی اینکه فرد خود را چگونه با چالش‌های زندگی منطبق می‌کند (ناصحي و رئیسي، ۱۳۸۶: ۶۰-۶۱). آدلر عقیده دارد که هر فردی حداقل با سه تکلیف اساسی (اجتماعی یا دوستی، کار، عشق) روبه‌روست. شاگردان آدلر در سال‌های بعد تکالیف دیگری برای بررسی سبک زندگی افراد تدوین کردند که از میان این هفت تکلیف (تکلیف اجتماعی و دوستی، معنویت، خلاقیت، فراغت، کار، مراقبت و عشق) تکلیف‌های معنویت، خلاقیت، کار و عشق قابلیت بررسی در متنی مثل بوستان را دارد.

- ۱) **تکلیف اجتماعی و دوستی:** در برگیرنده تمام روابط اجتماعی فرد است که شامل ارتباط با دیگران در جامعه است. همدلی، ایثار، همکاری و... جلوه‌های از تکلیف دوستی کودک در زندگی اجتماعی است که در رابطه با همسالان و غیر همسالان صورت می‌گیرد. (اکستین و کرن، ۱۳۴۶:۱۳۸۹).
 - ۲) **تکلیف کار:** این تکلیف به عنوان فرصتی برای غنی‌سازی خود یا دیگران تلقی می‌شود. کار ممکن است یک فعالیت خلاقانه یا تحملی باشد (بیزاند دوست، ۱۳۸۹: ۳۱).
 - ۳) **تکلیف عشق:** این تکلیف شامل توانایی‌هایی چون ابراز عاطفه، حضور روابط صمیمی و پایدار با افراد، توجه به رشد دیگران و اعتماد کردن می‌شود (اکستین و کرن، ۱۳۸۹: ۱۳۴۶).
 - ۴) **معنویت:** این تکلیف شامل سر و کار داشتن با خود روحی یا معنوی در واکنش به جهان، خدا و مفاهیم مشابه است. (بیزاند دوست، ۱۳۸۹: ۳۱).
 - ۵) **خلاقیت:** شامل توانایی حل مسئله در برخورد با مشکلات می‌شود (همان، ۱۳۰۰: ۱۳۲).
 - ۶) **مراقبت:** این تکلیف به شیوه‌های مختلف اجتناب از آسیب و مرگ و محافظت از خود در مقابل آن اشاره دارد (همان: ۱۳۲).
 - ۷) **فراغت:** توصیف کننده‌ی شرایط اوقات فراغت کودک است که چگونه صرف می‌شود به بازی یا سایر فعالیت‌ها. (همان: ۱۳۲).
- ۴-۲- هدف:**
- به عقیده آدلر شناخت عمیق یک انسان، مشروط به قابلیت شناخت هدف اوست. در ضمن، او باید در وضعی باشد که حرکت زندگی‌اش در ارتباط با این هدف قرار بگیرد. هدف به صورت یک فکر راهنمای است که در آن فرد پیوسته برای غلبه بر کوتاه دستی‌های خاص خود تلاش می‌کند. (آدلر، ۱۳۶۱: ۴۶) غایت و هدف در سبک زندگی ممکن است در جهت خواست اجتماع باشد و یا در صورتیکه شخص نسبت به اجتماع ضد و دشمن باشد در جهت عکس قرار بگیرد (شافر، ۱۳۵۱: ۱۰۲).
- با توجه به ارائه نظریه آدلر در مورد بخش‌های مختلف سبک زندگی چهار مؤلفه‌ی شیوه‌های فرزندپروری و هدف و تکلیف زندگی شامل تکلیف کار، تکلیف عشق، تکلیف معنویت و تکلیف خلاقیت، مراقبت و اجتماعی در نگرش سعدی به کودکان در بوستان مورد توجه قرار خواهد گرفت.

یافته‌ها

سعدی واقعگرا یا آرمان خواه

سعدی متفکر فرزانه ایست که نگاه تربیتی بر آثار او غالب است و همین نگاه، از او سخنوری حکیم ساخته است. این نحوه‌ی نگرش در هر دو کتاب بوستان و گلستان (با تفاوتی مشخص) بسیار پررنگ است. سعدی در گلستان شخصیتی واقع گرا و بهوضوح نصیحتگر دارد و از آنچه «هست» سخت می‌گوید. اما در بوستان از آن چه «باید باشد». و این نحوه‌ی نگرش در بوستان از سعدی حکیمی آرمانگرایی که شاید علت سروده شدن این کتاب به زبان شعر هم باشد چرا که قالب شعر به ضرورت شعرگونگی نیازمند محتوایی آرمانی تر و انتزاعی تر از محتوای متون نثر است. آرمان از نگاه سعدی آرزوها و خواسته‌های درونی و نیت هر فرد است که باید به کم کردن افسوس‌ها و رنج‌ها و اندوه انسان منجر شود. درواقع در صورتی که آرمان‌های سعدی تحقق پیدا کند انسان به مدبنه فاضله‌ای که مورد نظر اکثر حکما و علماست، می‌رسد. سعدی پخش اعظم تحقیق این آرمان‌ها را در پیروی از اخلاق و دین می‌داند. برای شخصیت شکل گرفته تربیت شونده و نیز نقشی که متعلم به عنوان یک شخصیت واحد و متمایز از نسب خویش اهمیت قابل است. در نتیجه مربیان را از در نظر گرفتن قالب‌های پیش ساخته و فرضیه‌های از پیش تعیین شده بر حذر می‌دارد. و معتقد است تربیت نسبی است و گاه موضعی کوشش برای تربیت و تعلیم را ناکام می‌گذارد. (معبدی، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

ز وحشی نیاید که مردم شود	همه فیلسوفان یونان و روم
به کوشش نزوبید گل از شاخه بید	توان پاک کردن ز زنگ آینه
ندانند کرد انگین از زفون	چو رد می نگردد خندگ قضا
ولیکن نیاید زسنگ آینه	به سعی اندر و تربیت گم شود
سپر نیست بنده را جز رضا	نه زنگی به گرمابه گردد سپید

(بوستان، ۱۳۷۰: ۳۳۹)

سعدی آموختن حرفه و پیشه را برای تربیت کودکان ضروری می‌داند.

نگردد تهی کیسه‌ی پیشه ور	به پایان رسد کیسه‌ی سیم و زر
کجا دست حاجت برد پیش کس	چو بر پیشه‌ای باشدش دسترس

(همان: ۳۶۷)

و سرانجام سعدی دوران کودکی را دوران واقعی تربیت و نقش پذیری انسان می‌داند، که اگر این تربیت درست صورت نگیرد جبران آن در بزرگسالی دشوار خواهد بود.

تحلیل و تبیین نقش کودک و دوران کودکی در بوستان سعدی براساس نظریه سبک زندگی آلفرد آدلر
Analysis and explanation of the role of children and childhood in Saadi's Boostan based on Alfred Adler's lifestyle theory

<p>به نیک و بدش و عده و بیم کن ز توبیخ و تهدید استاد به</p> <p>(همان: ۱۳۷۰، ۲۶۹)</p>	<p>به خُردی درش ز جر و تعلیم کن نواموز را ذکر و تحسین و زه</p>
--	--

<p>سعدی آموختن در دوان کودکی را موجب موفقیت و به مراد رسیدن در بزرگسالی می‌داند.</p> <p>نده‌های نوشته و نه دریا شکافت خدا داش اند در بزرگ‌ی صفا بسی بر نیاید که فرمان نهاد تبیند، صفا بینند از روزگار که چشمش نماند به دست کسان</p>	<p>نداشی که سعدی مراد از چه یافست به خُردی نخورد از بزرگان قفا هر آن کس که گردن به فرمان نهاد هر آن طفل کوچور آموزگار پسر را نکو دار و راحست رسان</p>
---	---

(همان: ۳۶۷)

بسامد حضور مفهوم کودک و دوران کودکی در بوستان

در بوستان سعدی ۸ بار کلمه فرزند، ۱۱ مرتبه واژه‌های کودک و کودکی، ۱۹ بار کلمه طفل و طفلان، ۲۹ بار کلمه پسر، ۳ مرتبه واژه دختر (که اصولاً نظری درباره دختران ابراز نشده – نمونه اشعار ذکر خواهد شد) ۳ بار کلمه بچه (هر سه بار در مورد فرزندان حیوانات به کار رفته) و ۱۰ بار واژه خُرد ذکر شده است.

چگونگی پرداختن به مفهوم کودک و کودکی از نگاه سعدی

سعدی در بوستان ۷۵ بار واژگان گوناگون در مفهوم کودک و کودکی را در دفعات مختلف به کار برده به عنوان مثال: کلمه‌ی خُرد و خُردی کلا ۴ بار به عنوان اشاره به کودک و کودکی استفاده شده و بقیه‌ی موارد به عنوان واقعه و مسئله‌ای کوچک که قابل توجه نیست به کار رفته. و همه‌ی این موارد به بحث تربیت فرزند اشاره نداشته و قابلیت بررسی براساس نظریه آدلر را ندارد. از جمله می‌توان به این اشعار اشاره کرد.

الف: کاربرد واژه طفل تنها برای اشاره به دلیل گریستن مردی در شُرف اعدام برای فرزندانش

چو دیدش که خنده و دیگر گریست
بیرسید کاین خنده و گریه چیست
که طفلان بیچاره دارم چهار

(همان: ۲۶۹)

ب: اشاره به بی اعتباری دنیا و جایگزینی پسر به جای پدر

<p>پسر تاج شاهی سر بر نهاد چو دیدش پسر روز دیگر سوار پدر رفت و پای پسر در رکیب سبک‌سیر و بد عهد و نایایدار</p>	<p>چو آلب ارسلان جان به جانبخش داد چنین گفت دیوانه‌ای هوشیار زهی ملک و دوران سر در نشیب چنین ست گردیدن روزگار</p>
--	---

(همان: ۲۵۳)

ج: کاربرد واژه فرزند در اشاره به گرسنگی خانواده و کودکان سرهنگ دربار سلطان

<p>بـه سـرهـنـگ سـلـطـان چـنـین گـفـت زـن کـه فـرزـنـدـکـائـت نـظـر بـرـدـهـنـد کـه خـيـزـاـي مـبـارـك در رـزـق زـن</p>	<p>بـه جـانـبـخـش دـاد چـنـين گـفـت دـيوـانـهـاي هـوشـيـار زـهـي مـلـك وـدوـرانـ سـر درـ نـشـيـب چـنـين ستـ گـرـديـنـ روـزـگـار</p>
---	---

د: برخی از اشارات خود سعدی خارج از بافت مثال و داستان و خطاب قرار دادن مخاطب و نصیحت کردن او

<p>چـه مشـتـى زـرـش پـيش هـمـت چـه خـاـك كه سـلـطـان زـدـروـيـشـ مـسـكـيـنـ تـرـ است</p>	<p>چـو طـفـلـ انـدـرونـ دـارـ اـزـ حـرـصـ پـاـكـ خـبـرـ دـهـ بـهـ درـوـيـشـ سـلـطـانـ پـرـستـ</p>
--	---

(همان: ۱۳۶)

مواردی از این دست بیش از یک سوم کاربرد واژگان کودک، خُرد، طفل – پسر – دختر – کودکان – بچه و ... را در بوستان تشکیل می‌دهد، سایر موارد که شامل ۳۶ مورد اشاره مستقیم (که از بین ۷۵ بار اشاره‌ی مستقیم در قالب یک حکایت دو یا سه بار به یکی از واژه‌های مذکور – طفل – کودک – پسر – کودکی – فردی – خُرد – دختر – بچه و ... اشاره شده است و منظور همان مورد اشاره اول است و در نتیجه یک مورد در نظر گرفته می‌شود)، را می‌توان در قالب نظریه سبک زندگی آلفرد آدلر بررسی نمود.

بررسی در قالب نظریه سبک زندگی آفرود آدلر

در این بخش ابیاتی که در آن‌ها به مفهوم کودک و کودکی در معنای تربیتی و قابل بررسی در قالب سبک‌های فرزندپروری اشاره شده تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱. شخصیت فردی (نام - سن - جنس)
۲. سبک فرزندپروری (روش تربیتی، منظمه خانوادگی)
۳. تکالیف (تکالیف کار - خلاقیت - عشق - معنویت- مراقبت - اجتماعی و دوستی)
۴. هدف

در نمونه‌های زیر مفهوم کودک و کودکی براساس مؤلفه‌های ذکر شده تبیین می‌شود:

به هرمز چنین گفت نوشین روان	شنیدم که در وقت نزع روان
نه در بند آسایش خویش باش	که خاطر نگه دار درویش باش
چو آسایش خویش حوئی و بس	نیاساید اندر دیار تو کس
شبان خفته و گرگ در گوسفند	نیاید به نزدیک دانایستند

(همان: ۲۲۶)

۱. شخصیت فردی (نام، سن، جنس):

نام: هرمز، پسر انشیروان دادگر که در این داستان در لحظات مرگ پدر مورد خطاب و نصیحت پدر قرار می‌گیرد.
 سن: جوان، از آن‌جا که در منابع دیگر هم آمده که هر فرد نوجوانی و آغاز جوانی جای پدر را می‌گیرد و حدود نوجوانی و جوانی همین امروز هم چندان مشخص و دارای حد سنی مورد قبول همه نیست سن هرمز نوجوان درنظر گرفته می‌شود.
 جنسیت: پسر.

۲. سبک فرزندپروری (روش تربیتی، منظمه خانوادگی):

روش تربیتی در این حکایت درواقع باید براساس رفتار و گفتار والد یا پدر مورد بررسی قرار گیرد چرا که هرمز کاملاً منفعل و شنونده است.
 انشیروان آن‌چه به نظرش می‌رسد را برای این که هرمز پادشاه خوبی باشد به او می‌گوید، از لحن او با توجه به این که در حال نزع است نصیحت و راهنمایی برداشت می‌شود اما نه امر و نه همراه با پرخاش و ظلم بلکه بالحنی مقتدرانه آن‌چه شایسته‌ی پادشاهی مطلوب است به پسر می‌گوید.
 محتواهای سخنان او نیز مواردی مطلوب و درست است که در نهایت خیر پسر را در پادشاهی آینده‌اش در پی دارد و نه دستوری از سر خودخواهی بنابراین با توجه به این مشخصات سبک فرزندپروری در این حکایت «مقتدرانه» است.

منظمه خانوادگی: با توجه به این که مرسوم بوده پسر بزرگ خاندان شاهی بعد از پسر به پادشاهی برسد هرمز نیز پسر اول (و نه لزوماً فرزند اول) انشیروان بوده اما ولیعهد یک خاندان سلطنتی بودن در گذشته بسیاری از شرایط و توجهات و انتظارات فرزندان اول خانواده را دربرداشته است.

۳- تکالیف (تکلیف کار - تکلیف خلاقیت - تکلیف عشق):

تکلیف کار: پادشاهی، هرمز قرار است با وجود نوع فرزندپروری مقتدرانه انشیروان پدرش پس از او به کار یا شغل یا جایگاه پادشاهی برسد.
 تکلیف خلاقیت: هرمز باید تحت تأثیر نوع فرزندپروری پدرش بتواند در برخورد با مردم کشورش، حمله کشورهای بیگانه و بحران‌های تاریخی و اجتماعی بهترین راه حل‌ها را برای کشور و مردمش بیابد و در این راه باید از هوش و خلاقیت خود کمک بگیرد.

تکلیف معنویت: او با تکیه بر آموزه‌های معنوی که در سبک فرزندپروری پدرش آموخته باید خال درویشان و ناتوانان مراعات کند.
 تکلیف اجتماعی: عادل بودن.

تکلیف مراقبت: نامشخص.

۴- هدف: پادشاه خوب بودن، و در مجموع نتیجه و هدف هر آن‌چه در روش و سبک پدرش هرمز به به کار رفته برای رسیدن به این هدف بود. که از اوی پادشاهی خوب - عادل و باهوش بازد.

در جایی دیگر سعدی به پندی اشاره می‌کند که خسروپروری به پسرش شیرویه می‌دهد:

در آن دم که چشمش ز دیدن نبست	شنیدم که خسرو به شیرویه گفت
نظر در صلاح رعیت کنی	بر آن باش تا هرچه نیت کنی
که مردم ز دست نیچند سر	الاتانپیچی سر از عدل و رأی
بکند آن که بنهاد بنیاد بد	بسی برنیاید که بنیاد خود

(همان: ۲۲۷)

۱- شخصیت فردی (نام - سن - جنس):

نام: شیرویه / سن: نوجوان / جنس: پسر

تحلیل و تبیین نقش کودک و دوران کودکی در بوستان سعدی براساس نظریه سبک زندگی آلفرد آدلر
Analysis and explanation of the role of children and childhood in Saadi's Boostan based on Alfred Adler's lifestyle theory

۲-سبک فرزندپروری (روش تربیتی، منظومه خانوادگی)
منظومه خانوادگی: نامشخص، زیرا شیرویه بعد از قتل عام ۱۷ بادر خودش، ضمن کودتا بر ضد پدرش خسرو پرویز به حکومت رسید و بر همین اساس هم مشخص نیست فرزند چندم از حرم‌سرای خسرو پرویز است، و به همین دلیل هم هست که پدر او را چنین نصیحت می‌کند.

خرابی کند مرد شمشیر زن
نه چندان که آه دل طفل و زن
بسی دیده باشی که شهری بسوخت

سبک فرزندپروری: مقتدرانه / زیرا که خسرو در هنگام مرگ به شیرویه نصیحت می‌کند هر کاری که می‌خواهی انجام بدی دقت کن که به صلاح رعیت باشد و از عدل و داد دور نشوی چرا که کار و اندیشه‌ی بد ریشه‌ی انسان را از جا می‌کند. درواقع خسرو در جایگاه پدر بالحنی مقتدر، از بالا به پایین و از سوی والد راه درست را به پسر می‌نمایاند بی آن که انتخاب دیگری در برآورش قرار دهد و او را به سوی راه درست راهنمایی می‌کند اما بدون زورگویی یا ضرب و شتم.

۳-تکالیف

تکلیف کار: پادشاه شدن، شیرویه تحت نصایح و روش فرزندپروری خسرو آماده می‌شود تا پادشاه ایران شود و درواقع کار او پادشاهی است.
تکلیف خلاقیت: یافتن بهترین راهها برای رفتار عادلانه با مردم.

تکلیف معنویت: پیروی از عدل خداوندی چنانکه خسرو به شیرویه می‌گوید آه دل یک پیر زن می‌تواند بنیان تو را بکند.
تکلیف اجتماعی: عادل بودن خسرو به شیرویه سفارش می‌کند که همواره با عدل و داد رفتار کند و بنیاد بد ظلم را پایه‌گذاری نکند.
تکلیف مراقبت: مراقبت از حال درویشان - پیرزنان و ناتوانان.

۴-هدف: هدف از به کار بردن همه آن‌چه به عنوان روش فرزندپروری در مورد شیرویه اتفاق می‌افتد تبدیل او به یک پادشاه عادل و مردمدار است.
در جایی دیگر از بوستان سعدی درباره ضرب و شتم و کودک زدن کودک به دست والدین (در اینجا پدر) صحبت می‌کند.

بغفت این پدر بی گناهم مکوب
فروکوفت پیری پسر را به چوب
ولی چون تو جورم کنی چاره چیست
توان بر تو از جور مردم گریست
نه از دست داور برآور خروش
به داور خروش، ای خداوند هوش

۱- شخصیت (نام - سن - جنس)

نام: نامشخص / سن: نامشخص (کودک) / جنس: پسر

۲-سبک فرزندپروری (منظومه خانوادگی)، سبک فرزندپروری

سبک فرزندپروری: مستبدانه، همارا با ضرب و شتم، کاملاً اقتدار و استبداد از بالا به پایین و بدون در نظر گرفتن سخنان طفل یا کودک است. در این حکایت سعدی حتی - معتقد است نباید از دست خداوند نالید بلکه باید به درگاه او داد و فریاد کنی و حقت را بگیری.
منظومه خانوادگی: نامشخص چون مخاطب «پسر» در معنای کودک یا نوجوان در معنی عام است.

۳-تکالیف:

تکلیف کار: نامشخص، زیرا کار و حرفة‌ی مشخصی در این بیت برای کودک ذکر نشده.
تکلیف خلاقیت: دعا کردن به درگاه خداوند به جای نالیدن از دست او، که نهایت خلاقیت فکری و کاری است که از پسر برمی‌آید.

تکلیف معنویت: ایمان به خداوند. کودک ستم‌دیده که پدر او را کتک می‌زند باید به داوری و لطف خداوند ایمان داشته باشد و حتی در بدترین شرایط به درگاه او فریاد کند

تکلیف عشق: نامشخص.

تکلیف اجتماعی: نامشخص.

تکلیف مراقبت: پناه بردن به خداوند و رحم خدا برای نجات خودش از ظلم پدر.

۴-هدف: تربیت کودک از طریق اعمال زور

در ابیاتی سعدی مخاطب را به مهربانی کردن و تسامح نسبت به کودکان یتیم دعوت می‌کند

غبارش بیفشن و خارش بکن
پدر مرده را سایه بر سر فکن
بود تازه بی بیخ هرگز درخت؟
ندانی چه بودش فرو مانده سخت؟

۱- شخصیت (سن - نام - جنس)

سن: نامشخص، چون صحبت از کودکان پدر مرده و یتیم به صورت عام است.

جنس: نامشخص، زیرا تنها از لفظ پدر مرده از کودک نام برده شده و دختر و پسر بودنش نامشخص است.

نام: نامشخص، پدر مرده صفت برای عموم کودکان یتیم است.

۲- سبک فرزندپروری (منظومه خانوادگی - روش و سبک فرزندپروری)

- منظومه خانوادگی: نامشخص، زیرا سعدی تنها با لفظ پدر مرده از عومن کودکان یتیم صحبت و حکم کلی صادر می‌کند.

- سبک فرزندپروری: مسامحه‌گر و آسان‌گیر. روشی مهربانانه که می‌گوید در برابر هر کوک پدرمرده و یتیمی مهربان باش و ارا تحت حمایت خود بگیر. سعدی در این جا صفت خاص یا ویژگی مشخصی را برای یتیم ذکر نمی‌کند که قید و بندی برای نیکی کردن ایجاد کند و با سهل‌گیری و مهربانی همه‌ی یتیمان را مشمول مهر می‌داند.

۳- تکالیف:

تکلیف کار: نامشخص زیرا حرفه و کار مشخصی در بیت ذکر نشده.

خلاقیت: به کار بردن روش‌هایی برای مراقبت از کودک یتیم

تکلیف معنویت: مهربانی با کودکان پدرمرده طبق توصیه دین و اخلاق

تکلیف عشق: دوست داشتن و مهر ورزیدن به کودکان یتیم

تکلیف اجتماعی و دوستی: دوست داشتن یتیمان در جامعه و مهر ورزیدن به آن‌ها و با آن‌ها دوستی کردن.

تکلیف مراقبت: مراقبت کردن و نگهداری از یتیمان در مقابل مشکلات زندگی.

۴- هدف: مهربانی با یتیمان و تکیه‌گاه آنان بودن.

آن‌چه در مثال‌های فوق بیان شد نمونه‌ای از روش بررسی تک تک مواردی است که در بوستان به کودک و دوران کودکی (با هر اسم متراffد کودک و کودکی) اشاره شده ۳۶ مورد حکایت - نصیحت و اظهارنظر از زیقان سعدی مورد بررسی قرار گرفت که در تعدادی از آن‌ها بیش از سه یا چهار مورد تکرار واژگانی صورت گرفته که جمعاً به حدود ۶۰ کاربرد لغوی از ۲۴ مرتبه کاربرد واژگان اشاره کننده به کودکی) می‌رسد.

در این میان بالاترین تعداد سبک فرزندپروری در بین این موارد به سبک مقتردانه با ۲۱ مورد تعلق دارد. و سبک مستبدانه ۹ مورد دومین سبک مورد توجه سعدی است و سبک آسان‌گیر و مسامحه‌گر ۷ مورد را به خود اختصاص می‌دهد. با بررسی اولیه می‌توان لحن نصیحت گر، از موضع بالا و خیرخواهی همراه با سخت گیری را ویژگی‌های سخن سعدی درباره کودک و دوران کودکی دانست که نحوی نگاه او به روش تربیتی کودکان و نگاه به دوران کودکی را مشخص می‌سازد. (نمودار شماره ۱)

سبک مسامحه‌گر و بی توجه در بین مضماین و حکایات سعدی دیده نمی‌شود. و این به آن معناست که کودکان و دوران کودکی در هر حال مورد توجه سعدی بوده و بی توجهی به کودکان از نظر او نکوهیده است.

در میان ۳۶ مورد بررسی شده سعدی ۱۴ مورد از واژه‌پسر، ۱ مورد دختر و بقیه تحت عنوان کودک - طفل و بچه (در مورد بچه حیوانات مثل شترچه) استفاده کرده است موارد نیز مثل پسر عضد و پسر سلطان و یتیم به کار برده است.

در بررسی جنسیت نیز در موارد نامبرده از پسران و یک مورد دختر اصولاً جنسیت کودک مشخص نیست و فقط با الفاظ کودک - عهد خردی - طفل به کودک اشاره می‌شود و این نشان دهنده برتری پسران بر دختران برای حضور در بوستان دارد اما تعداد بیشتر موارد بدون جنسیت مشخص که صرفًا با عنوانین کودک - طفل - فرزند و یتیم از آن‌ها نام برده شد، نشان دهنده اهمیت «کودکی» فارغ از جنسیت برای سعدی است.

در بین تکالیف متعدد زیرمجموعه سبک زندگی آدلری تکلیف عشق به جز سه مورد پاسداشت عشق مادری در فرزند یک مورد عشق به کودکان یتیم هیچ مورد دیگر یافته نمی‌شود. و اکثریت موارد طبق جدول شماره ۱ اختصاص به تربیت درست، حفظ حرمت بزرگان، دوری از خساست، حفظ جان و در یک کلام انسان خوب بودن دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از بررسی ابیات بوستان در بخش مربوط به میزان تکرار واژگان و مفاهیم مربوط به نظریه آدلر که سعدی برای اشاره به کودکان و دوران کودکی به کار برده نشان دهنده چند نکته‌ی شاخص است. نخست، برتری جنسیتی پسران بر دخترها در متن بوستان و نکته‌ی قابل توجه دیگر این که در اکثر موارد جنسیت بچه‌ها از دید سعدی در بوستان مورد توجه نیست و فقط با واژه‌های طفل - خرد - بچه - کودک - یتیم و ... به کودکان اشاره می‌شود. همچنین در بین سبک‌های فرزندپروری، سبک فرزندپروری مقتردانه که در برگیرنده نگاه حقیقی تر والدین نسبت به کودکان است و هویت آن‌ها را به رسمیت می‌شناسند و با رو.شی منطقی به نصیحت کودکان می‌پردازد در رده‌ی اول و پس از آن سبک مستبدانه که نگاه آمرانه دارد و گاه حتی تنبیه را هم مجاز می‌داند در مواجهه با کودکان به کار رفته، ویژگی هر دو این سبک‌ها نصیحت، رفتار آمرانه و راهنمایی کودک است که پیکره‌ی اصلی سخن سعدی را تشکیل می‌دهد. سبک مسامحه‌گر و آسان‌گیر که در آن کودکان کمتر در مرکز توجه قرار می‌گیرند، فرصت بیشتری در اختیار کودکان قرار می‌دهد، نگاه مهربانانه‌تری از سوی والدین را طلب می‌کند و سهم نصیحت در آن کمتر است. با ۷ مورد کاربرد در بوستان در مقایسه با دو روش مقتردانه و مستبدانه جایگاه سوم را دارد. سنجش و مقایسه میزان کاربرد این سبک‌ها در بوستان نشان دهنده تسلط بالای روحیه‌ی نصیحت‌گر و کنترل‌گری از نگاه سعدی است که در دید کلی تر تصویر سعدی آرمانگار را در بوستان تکمیل می‌کند.

تحلیل و تبیین نقش کودک و دوران کودکی در بوستان سعدی براساس نظریه سبک زندگی آلفرد آدلر
Analysis and explanation of the role of children and childhood in Saadi's Boostan based on Alfred Adler's lifestyle theory

در مورد منظومه خانوادگی سعدی اصولاً جز دو مورد که در مورد پسران بزرگ پادشاه سخن می‌گوید که به شاهی می‌رسند اصلاً به این مورد توجهی نمی‌کند و نتیجه این است که از نظر سعدی اصولاً فرزند چند خانواده بودن و حال و هوای خانواده در تربیت کودک نقشی ندارد. و در آخر در مورد تکالیف زیرمجموعه سبک زندگی آدلری برای کودکان، مواردی چون انسان خوب بودن، مراقبت از جان، حرمت بزرگان را نگاه داشتن و در یک کلام یک انسان آرمانی بودن برای کودک تعريف شده که الیته مقوله عشق جز دو مورد که در قالب عشق کودک به مادر تعریف می‌شود جایی ندارد که این خود تأکیدی است بر نگاه صصیحت گر و مقترنهای سعدی که جایی برای عشق را برای کودکان و نوجوانان در این نگاه قایل نیست.

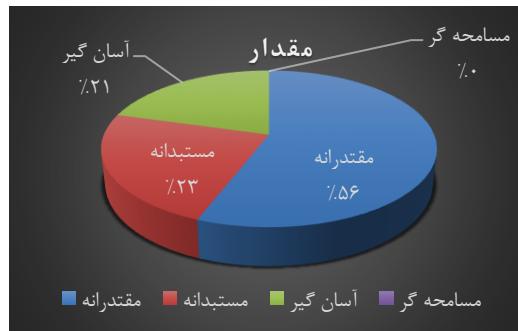
جدول شماره (۱) – جدول کاربرد تکالیف در کل ابیات بوستان سعدی که به مقوله کودک و کودکی اشاره دارد

شماره	شعر	تکلیف کار	تکلیف اجتماعی	تکلیف عشق	تکلیف معنویت	تکلیف مراقبت	خلاقیت	هدف
۱	شنیدم که در وقت نزع روان به هرمز پادشاه شدن چنین گفت...	پادشاه شدن	عادل بودن	مراعات خاطر درویشان	—	—	رفتار دوستانه با همه	پادشاه خوب بودن
۲	شنیدم که خسرو به شیرویه گفت... بسی جهد کردم که فرزنده من پس از من...	پادشاه شدن	عادل بودن	پیروی از عدل خداآنی	پیروی از حال	مراقبت از خدا	پادشاه عادل بودن	پادشاهی
۳	شنیدم که در مرزی از باخت برادر دو بودند...	پادشاه شدن	عادل بودن	سروری بزرگان	محافظت در برابر دشمنان	—	—	پادشاهی
۴	شنیدم که در مرزی از باخت برادر دو بودند...	پادشاه شدن	—	۱-خوبی ۲-گردنکشی	خوبی با مردم	محافظت در برابر دشمنان	خوبی کردن	پادشاهی
۵	یکی پند می داد فرزنده را، نگه دار...	—	—	زوروزی نکردن با فرزند	مراقبت از رفتار متکبرانه	مراقبت از خود در برابر دلiran	توجه به رفتار با دیگران	ماندگاری
۶	جهان ای پسر ملک جاوید نیست...	—	—	دانش و داد آموختن	در بند آسایش خلق بودن	در بند آسایش خلق بودن	آموختن و خرج کردن	زندگی بهتر
۷	پدر مرده را سایه بر سر فکن، غبارش بیفشنان و	—	—	در جامعه به کودکان یتیم	عشق به کودکان	—	به کار بردن روش هایی برای حافظت از کودکان یتیم	زندگی بهتر
۸	در این روزها زاهدی با پسر، شنیدم که ...	—	—	به اندازه داشتن و خرج کردن	استفاده از پول در راه درست	استفاده از پول از فقر	به موقع پس انداز کردن	زندگی با اعزت و شرف
۹	به دختر چه خوش گفت...	—	—	به اندازه داشتن و خرج کردن	استفاده از پول در راه درست	استفاده از پول از فقر	به موقع پس انداز کردن	زندگی با اعزت و شرف
۱۰	ببخش ای پسر کادمیزاده را، صید به احسان ... نه طفی کز آتش ندارد خبر، نگهدارش ...	برتری بر دشمن	نیکی کردن	کرم کردن با دشمن	حفظ خود در برابر دشمن	نیکی به دشمن	حفظ جان	—
۱۱	فرو کوفت ببری پسر را.... شتر بچه با مادر خویش گفت...	—	—	—	—	—	—	رهایی از ظلم
۱۲	شتر بچه با مادر خویش گفت...	—	—	—	ایمان به خدا و خداآنی	پناه بردن به خداآنی	دعا کردن	تسليیم در برابر خواست خدا
۱۳	شنیدم که نابالغی روزه داشت...	روزه داشتن	روزه داری	حفظ ظاهر	ادای تکلیف در برابر خدا	حرف ظاهر	روزه خواری در خفا	حفظ ظاهر

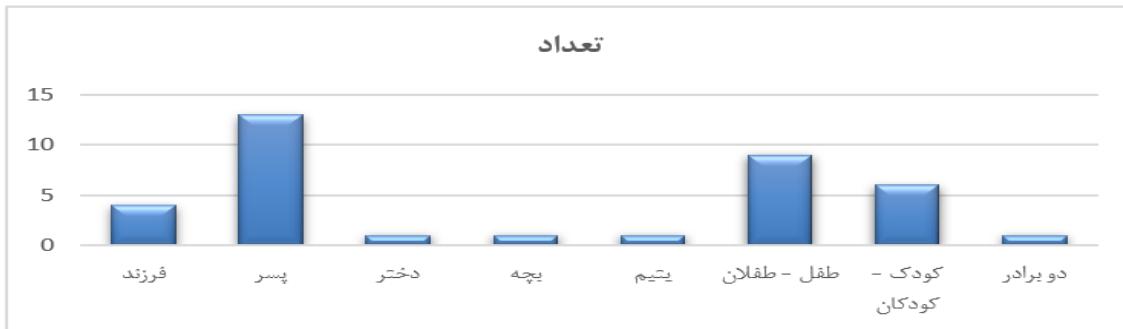
۱۵	چو روی پرستیدن در خداست...	پنهان ماندن	ایمان خالصنه داشت	ایمان	حفظ اصالت عبدات از خلق	عبدات برای خدا	عشق به خداوند	پنهانی عبدات کردن	چو روی پرستیدن در خداست...
۱۶	یکی طلف دندان برآورده بود...	—	—	—	—	—	—	—	یکی طلف دندان برآورده بود...
۱۷	عهد را پسر سخت رنجور بود...	بهبودی	رفتن به باغ	حفظ سلامت	—	—	—	—	عهد را پسر سخت رنجور بود...
۱۸	شیدم که از پارسایان یکی...	—	—	—	—	—	—	—	شیدم که از پارسایان یکی...
۱۹	به طلفی درم رغبت روزه خواست...	روزه داری درست	آموختن اصول روزه	پاک شدن درون	روزه گرفتن	—	—	—	به طلفی درم رغبت روزه خواست...
۲۰	پسر چون ز ده برگذشتیش سنین...	تربيت درست	رعایت حدود	رعایت آموزه های دینی	رعایت حدود	رعایت حدود	—	—	پسر چون ز ده برگذشتیش سنین...
۲۱	هرآن طفل کو جور آموزگار...	—	—	—	آموختن از آموزگار	آموختن از آموزگار	—	—	هرآن طفل کو جور آموزگار...
۲۲	پسر کو میان قلندر نشست...	تربيت درست	حفظ خود از همنشین بد	—	دوری از قلندران	دوری از قلندران	قلندر شدن	قلندر شدن	پسر کو میان قلندر نشست...
۲۳	مکن بد به فرزند مردم نگاه	—	—	—	—	—	—	—	مکن بد به فرزند مردم نگاه
۲۴	نه طفل دهان بسته بودی ز لاف ...	رشد معنوی و مادری	انسان خوب بودن	توجه	عشق به مادر	—	—	—	نه طفل دهان بسته بودی ز لاف ...
۲۵	جوانی سر از رای مادر بتافت...	انسان و فرزند خوب بودن	—	توجه به ناتوانی و مراقبت مادر	فرزند خوب بودن	فرزند خوب بودن	—	—	جوانی سر از رای مادر بتافت...
۲۶	یکی گوش کودک بمالید سخت...	هزیم شکنی	—	—	حرف شنوار	حرف شنوار	—	—	یکی گوش کودک بمالید سخت...
۲۷	مرا تکیه، جان پدر بر عصاست...	جوانی کردن	—	—	مراعات کهنسالان	مراعات کهنسالان	—	—	مرا تکیه، جان پدر بر عصاست...
۲۸	هوس پختن از کودک ناتمام...	به هووس رسیدن	—	معصومیت	—	—	—	—	هوس پختن از کودک ناتمام...
۲۹	مرا می بباید چو طفلان گریست...	معصومیت	—	ناتوانی	—	—	—	—	مرا می بباید چو طفلان گریست...
۳۰	چه خوش گفت با کودک آموزگار...	جلوگیری از اتلاف وقت	—	—	بی تفاوت	بی تفاوت	—	—	چه خوش گفت با کودک آموزگار...
۳۱	همی پادم آمد ز عهد صغیر...	از بزرگان راهنمایی گرفتن	—	گوش به فرمانی	جمعگرا	جمعگرا	—	—	همی پادم آمد ز عهد صغیر...
۳۲	مریدان به قوت ز طفلان کمند...	از بزرگان راهنمایی گرفتن	تنها نامندن	گوش به فرمانی	کمک گرفتن	کمک گرفتن	—	—	مریدان به قوت ز طفلان کمند...
۳۳	بیاموز رفتار از آن طفل خرد...	در ردیف پارسایان درآمدن	استعانت به دیوار بردن	باری گرفتن از بزرگان	همراهی بزرگان	کمک گرفتن از بزرگان	کمک گرفتن از بزرگان	کمک گرفتن از بزرگان	بیاموز رفتار از آن طفل خرد...
۳۴	یکی زهره خرج کردن نداشت...	عيش در دنيا چنگی	آلودن نایي و چنگی	حفظ پول	بی ارزش بودن پول	آموختن	آموختن	آموختن	یکی زهره خرج کردن نداشت...
۳۵	پسر را نکودارو راحت رسان...	غنى شدن و چشم سيرى	—	—	بی ارزش دارايي و مال	چشم و دل	چشم و دل	چشم و دل	پسر را نکودارو راحت رسان...
۳۶	به صنعا درم طلفي اندر گذشت...	—	—	—	—	سیرى	سیرى	سیرى	به صنعا درم طلفي اندر گذشت...

تحلیل و تبیین نقش کودک و دوران کودکی در بوستان سعدی براساس نظریه سبک زندگی آلفرد آدلر
Analysis and explanation of the role of children and childhood in Saadi's Boostan based on Alfred Adler's lifestyle theory

(نمودار شماره ۱) بسامد استفاده از سبکهای فرزند پروری بر اساس نظریه سبک زندگی آلفرد آدلر



(نمودار شماره ۲) نمودار بسامد کاربرد جنسیت کودکان در بوستان



منابع

- آدلر، آلفرد (۱۳۶۱). روان‌شناسی فردی. ترجمه حسن زمانی شرفشاھی. نگارش میهن بهرامی. بی‌جا، پیشگام.
- اسمخانی اکبری نژاد، هادی، و نصیرنژاد، فریبا. (۱۳۸۸). بررسی رابطه حمایت اجتماعی والدین و سبک‌های فرزندپروری با هویت و سلامت روانی فرزندان. زن و مطالعات خانواده، ۲(۶)، ۲۷-۹. <https://sid.ir/paper/27-9>.
- اکستین، دنیل جی؛ کرن‌بروی (۱۳۸۹)/زیارتی و درمان سبک زندگی. مترجمین: حمید علیزاده و محسن یوسفی و فروزان کرمی. چاپ اول. اهواز: رسشن.
- پرچم، اعظم، فاتحی زاده، مریم السادات، واله یاری، حمیده. (۱۳۹۱). مقایسه سبکهای فرزندپروری با مریند با سبک فرزند پروری مسوولانه در اسلام. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۰ (دوره جدید)(۱۴)، ۱۱۵-۱۳۸. <https://sid.ir/paper/14-20>.
- جهفری، مصطفی، جعفری، علی، ابوترابی، الدوز السادات. (۱۳۸۹). رابطه تیپ‌های شغلی-شخصیتی نوجوانان دبیرستانی با ترتیب تولد آنها و مقایسه تیپ‌ها در نوجوانان دختر و پسر. مشاوره شغلی و سازمانی، ۴(۳)، ۱۳۳-۱۵۴.
- خسرونژاد، مرتضی (۱۳۸۲). معصومیت و تجریه؛ درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک. چاپ اول. تهران: مرکز زبانی، علی، وحدت، رقیه، بقره دینگ، خاور. (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های والدینی با استعداد انتیاد در فرزندان. خانواده پژوهی، ۶(۳).
- سعیدی، بوستان؛ تصحیح فروغی، محمدعلی (۱۳۷۰). چاپ ششم، تهران، آینده.
- هیری شافه، علی محمد برادران رفیعی. (۱۳۵۱). روان‌شناسی آلفرد آدلر. جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق، ۲۹).
- خدیجه سادات غنی آبادی. (۱۳۷۷). «شیوه‌های فرزند پروری». فیست، جس؛ فیست، گریگوری (۱۳۸۶) نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، نشر روان.
- نوابخش، مهرداد، و فتحی، سروش. (۱۳۹۰). شیوه‌های فرزندپروری و سازگاری اجتماعی فرزندان. پژوهش دینی، ۳۳-۳۴، ۶۴-۶۶.
- مهدی کی نیا. (۱۳۵۶). «آدلر و منظومه خانوادگی». مکتب مام، ۱۳۵۶، ۹۱.
- گیدزن، آتنونی (۱۳۷۸) تجدید و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موقیان، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- معبدی، زهرا (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی در آثار سعدی، چاپ اول، تهران، تیرگان.
- fa.html۱-۳۴. URL: <http://icssjournal.ir/article-55-66-۱۹-۱۳۸۶>
- بزدان‌دوسن، راحله (۱۳۸۹). بررسی بین قومیتی نقش سبک فرزند پروری در شکل سبک زندگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه شهید بهشتی.

Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A social critique of the judgement of taste*. London Routledge. Press.